فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک
سال پانزدهم، شماره ٦٩، پاییز ١٣٩٦
مقاله دوازهم، از صفحه ٣٣٦-٣٠٧

طراحی الگوی استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران ازمنظر آموزه های قرآن کریم

عبدالله‌حاجی صادقی[1]، نبی ا... دهقان[2]، محسن گودرزی[3]

دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۲۸ پذیرش مقاله:۹۶/۰۵/۱۲

چکیده

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جهت‌گیری حاکمیت الهی و گفتمان استکبارستیزی آن، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان، با تقابل و تضاد جبهه حقّ با محوریت انقلاب اسلامی در برابر جبهه باطل به سرکردگی متجاوزان با محوریت استکبار جهانی آشکار و شفاف‌تر گردید و در عرصه‌ها و ابعاد مختلف ظهور و بروز یافت. بنیان‌گذار این نهضت مقدس، با پیروی از قرآن کریم و سیره ائمه هدی (علیه السلام) با کوتاه کردن دست ستم و سلطه قدرت‌های استکباری از کشور به اصلاح امور امّت و تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی پرداختند؛ و نهادهای پرثمری را یکی پس از دیگری در جامعه اسلامی ایران بنا نهادند. اهمیت این موضوع به‌منظور لزوم رهایی از سیطره استکبارومقابله تمام‌عیار در جهت سعادت ملت و تبیین وظیفه ایمانی در این تحقیق به بحث و بررسی تفصیلی موضوع «استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران» از منظر آیات قرآن کریم می‌پردازد. این تحقیق برمبنای دستاوردها از نوع کاربردی، برمبنای اهداف و ماهیت از نوع پیمایشی، توصیفی تحلیلی وبرمبنای نوع داده‌های مورداستفاده از نوع آمیخته است. در این تحقیق تلاش شده است تا الگوی راهبردی استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر آیات قرآن کریم بررسی شود». جامعه‌ی آماری این پژوهش ۱۲ نفر از حوزه‌ی خبرگان در موضوع مربوطه هست. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده و با استفاده از ابزارهای پرسش‌نامه و فیش‌برداری، داده‌های لازم جمع‌آوری شدند. ودرتحلیل نهایی بر اساس نظریه داده بنیاد به استخراج آیات و روایات مربوطه و کدگذاری باز، محوری و نهایتاً کدگذاری انتخابی و ارائه الگوی راهبردی استکبارستیزی منتج گردید.

واژگان کلیدی: استکبار، جمهوری اسلامی ایران، استکبارستیزی، قرآن کریم

[1] استادیار، فقه و حدیث، پژوهشگاه امام خمینی (رحمت‌الله علیه)
۲ استادیار، مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی
[3] دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)M.G.F@chmail.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی انقلاب اسلامی نفی هرگونه ظلم‌پذیری استبداد و رهایی از یوغ استکبار بوده است، همان‌طور که خداوند متعال در قرآن فرموده است."وَ لَنْ یَجْعَلَ الله لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا "و خداوند هرگز راهی برای سلطه‌ی کفّار بر مسلمانان قرار نداده است[1]." برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی عمل به آموزه‌های قرآن کریم، حکم عقل و منطق و قانون اساسی ما را بر آن می‌دارد که در جهت حفظ عزت، استقلال و رعایت منافع کشور خود و همچنین دستیابی به پیشرفت و توسعه همه جانبه از یکسو و دفاع از حقوق همه ستمدیدگان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی را تا سر حد پیروزی نهایی ادامه دهیم. واضح است که منظور از مبارزه با استکبار، فقط مبارزه نظامی نیست. بلکه ضمن عدم‌مداخله در امور سایر کشورها و رعایت قوانین بین‌المللی، بیشترین تأکید بر مبارزه فرهنگی است که شامل جهت‌گیری استکبار علیه اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی جمهوری اسلامی که برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام و سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله علیه و اله) و ائمه‌ی معصومین (علیه‌السلام) است. وازطرفی تعمیق باور استکبارستیزی جمهوری اسلامی در دولت‌مردان و مردم به‌منظور ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است؛ و همچنین تلاش برای بیداری و رشد سیاسی ملل مظلوم جهان است. چنانکه حضرت امام خمینی (رحمت ا... علیه) می‌فرماید: «بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن استعمار سرخ و سیاه و خودفروختگان بی‌ارزش، فداکاری کنید» (صحیفه نور، ج ۱: ٢٥٤)نمی‌توان برای حیات زیر سلطه‌ی غیر، ارزشی قائل شد زیرا «ارزش حیات به آزادی و استقلال است». (همان، ج ٥: ١١٤)

بر همین اساس، مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌هایی که محقق رابرآن داشت تا به این موضوع مهم و کاربردی بپردازد، اولاً: عدم توجه دولت‌مردان به ابعاد سیاسی استکبارستیزی و نفوذ و تأثیرگذاری منفی استکبار در باور و روحیه‌ی برخی از آنان که عواقب بسیار خطرناک و غیرقابل جبرانی برای جمهوری اسلامی به دنبال داشته و خواهد داشت. ثانیاً: از دست دادن ملل مسلمان منطقه و سایر نهضت‌های آزادی‌بخش جهان که به تأسی از انقلاب اسلامی الگو گرفته‌اند. ثالثاً: از دست دادن عمق

[1]– قرآن کریم، سوره نساء، آیه:١٤١

راهبردی دفاعی در کشورهای مسلمان منطقه وجهان. رابعاً: بـه دلیـل ناکـامی و عـدم نتیجـه گـرفتن استکبار در تقابل نظامی، تمرکز و اولویت خود را، جهت تخریب جان و روح انقلاب و اراده انقلابی و اسلامی مردم به‌ویژه مسئولین نظام را بر اساس جنگ نرم موردحمله و تهاجم قرار داده است. ایـن تحقیق ازآن‌جهت اهمیت داردکه؛ استکبارستیزی جزء حقیقت دین مبین اسلام است و تصـمیم‌گیـری قاطع انقلابی دربرابراستکبارجهانی در طول سه دهه‌ی انقلاب اسلامی، بارها به اثبات رسیده است که درهرموضوعی مادر مقابل استکبار جهانی و ایادی آن ایسـتادگی و مقاومـت نمـوده‌ایـم لاجـرم آنـان عقب‌نشینی کرده‌اند و ما به اهدافمان رسیده‌ایم.(هشت سال دفاع مقدس) و هرگاه در تصمیم‌گیری‌ها از موضع تعامل به همراه تسلسل برخوردار بودیم گرفتار مشکلات عدیده به هـم را عقـب‌افتـادگی و کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی‌شده‌ایم. نمونه بارز وزنده آن بحث پیشرفت‌های چشم‌گیر در سایر حوزه‌های علم و فناوری، به‌ویژه در حوزه‌ی صنعت هسـته‌ای کشـور اسـت. **و ضـرورت ایـن تحقیق، ازآن‌جهت است که**؛ چنانچه داشتن استکبارستیزی در جهـان اسـلام بـه‌ویـژه در جمهـوری اسلامی به‌خوبی تبیین نگردد باعث می‌گردد که دشمنان اسلام، تسـلط دائمـی خـود را برکشـورومللل مسلمان جهان ادامه داده و ضمن تباه ساختن جامعه اسلامی، به انحراف مسلمانان ازمسیراصلی اسلام و قرآن و تعطیل کردن احکام الهی در جهت به یغما بردن منابع عظیم معنوی و مـادی جهـان اسـلام برآمده و کیان اسلام و هستی مسلمانان از سوی دشمنان قسم‌خورده اسلام همیشـه درخطـر خواهـد بود. لذا، استمرارونورافشانی فرهنگ اسلام ناب محمـدی (صـلی ا... علیـه و الـه) و گسـترش دامنـه نفـوذ انقلاب اسلامی در جهان، نیازمند عمق‌بخشی به رویکردهای قرآنی است؛ بنـابراین ضـرورت دارد بـا ارائه الگوی راهبردی استکبارستیزی جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم آسیب‌هـایی از قبیل؛ سردرگمی در تعیین اولویت‌ها، نداشتن برآورد و عدم پیش‌بینی صحیح در مواجهه با تهدیـدات و خطرات سیاسی فرهنگی از وابستگی وانفعال احتمالی مسئولان نظام در مقابل اقدامات تهدیـدآمیـز دشمنان، جلوگیری به عمل آورد.

مبانی نظری

پیشینه شناسی:

– مقاله علمی پژوهشی؛ بررسی روش‌های مبارزه با استبداد در قرآن، نوشته سـید مهـدی موسـوی، منتشرشده در مرکز فرهنگ و معارف قرآن به مناسبت سـالروز قیـام پـانزده خـرداد ۱۳۹٤.نویسـنده معتقد است، استبداد همواره مانعی بزرگ بر سر راه عزت و تعالی جوامع بوده است، ازاین‌رو توجه

به نگرش قرآن به مسئله استبداد می‌تواند در شیوه درست اتخاذ اندیشه و رفتار سیاسی برای جوامع کنونی اسلامی مفید باشد .این مقاله عهده‌دار تبیین اصول محوری و روش‌های مبارزه با حکومت‌های استبدادی و خودکامه‌ای که انبیا و اولیا با آن‌ها برخورد داشته‌اند اشاره دارد و از میان آن‌ها به حاکمیت استبدادی فرعون توجه ویژه‌ای نموده و آیات فراوانی را به ذکر آن اختصاص داده است.

– مقاله علمی پژوهشی؛ الزامات انقلاب اسلامی در مقابله بااستکبارجهانی از نگاه امام خمینی(رحمت ا...علیه) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)نوشتهٔ حسین شیداییان، منتشرشده در فصلنامهٔ حصون، شمارهٔ ۱۱ بهار ۱۳۹۳. نویسنده در این پژوهش ضمن تأمل در مباحث عمیق و جامع انقلاب اسلامی انگیزه ورویکردبه اندیشهٔ امامین انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی‌های لازم و فوق‌العادهٔ جامع و کاربردی در پیدایش، پیروزی، تثبیت واستمراروپویائی نظام اسلامی همچنین با توجه به اشراف کامل ایشان به مسائل و احاطه به رویدادها، قدرت تجزیه‌وتحلیل مرتبط با آینده انقلاب اسلامی، قادرند راه‌کارها و الزامات مطلوب در جهت تضمین و سلامت انقلاب اسلامی در افق آینده را ترسیم نمایند.

مفهوم شناسی:

استکبار: استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آنچه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد. برای بررسی بهتر «استکبار» مفاهیمی همچون استعلا» استضعاف مَلأ و مُترِف در فرهنگ قرآنی و تحقیق در دیدگاه‌های اسلام درباره مستکبرین، ضروری به نظرمی رسد؛ زیرا با درک صحیح و دقت در محتوای آن‌ها راه آشنایی با منطق قرآن در حوزه‌ی استکبارستیزی هموار می‌گردد.

استعلا: استعلا یعنی؛ برتری‌طلبی، خودداری از پذیرش حق از روی دشمنی و تکبر و یا خودبزرگ‌بینی و نپذیرفتن حق (طریحی، ج ۳، ۱۳۷۵: ٤٦٥). با این تعریف که استکبار در افزون‌طلبی، وبرتری جویی نسبت به دیگران سبقت می‌گیرد، به‌طوری‌که از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست و از آن او نیست آشکار می‌شود که این استکبار، مذموم و ناپسند است و بر همین اساس است آیاتی که در قرآن واردشده است و همان است که خداوند تعالی در مورد شیطان فرموده است:أَبَیَ وَ اسْتَکْبَرَ، مبارزه رسول اکرم (صلی ا... علیه و اله) و ائمه معصومین (علیه‌السلام) با استکباربراساس همین تعریف فوق است که لغت‌شناسان آن را چنین معنا کرده‌اند: ۱. استکبار،

ریشه در یک بیماری روحی دارد؛ بیماری خودبزرگ‌بینی و دیگران را به‌حساب نیاوردن.۲. مشخصه آشکار استکبار، «بزرگی طلبی» است و مستکبر تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا با فراهم آوردن اسباب و مقدمات، به «بزرگی» دست یابد. ۳. استکبار، چیزی جز خود را برتر از دیگران دانستن و همه را زیردست خویش دیدن و در یک کلمه «سلطه بر مردم» نیست.(المیزان، ج ۲۳٤،۱۲)

مَـــلَأ: «**ملأ**» ازنظر لغت به معنای «**جماعت**» ودراصطلاح عبارت است از؛ اشراف، چهره‌های سرشناس و رؤسایی هستند که در ادارهٔ امور از به‌هم‌پیوستگی خاصی برخوردارند و سخن آنان موردتوجه دیگران است. (جوهری، ج ۱، ۱۳۷٦: ۷۲) در مجمع‌البیان نیز ملأ به «اشراف» تفسیر شده است. راغب اصفهانی نیز به این ویژگی در مفهوم ملأ تصریح کرده است که ملأ گروهی‌اند که بر رأی و نظر یگانه‌ای اتفاق داشته باشند. (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲: ٤۷۲) از مجموع کلمات اهل لغت استفاده می‌شود که شایع‌ترین معنای ملأ اشراف است؛ جماعتی که از قدرت و موقعیت در جامعه برخوردارند به‌طوری‌که هیبت آنان چشم و قلب توده مردم را پرکرده و به پیروی از آنان واداشته و کسی را یارای مخالفت با آنان نیست. این کلمه در قرآن، به معنای خواص، بزرگان، اشراف و کسانی است که امور حکومت بارأی و نظر آنان می‌چرخد و حاکم معمولاً برای تصمیم‌گیری از آنان مشورت می‌خواهد و برای نظر آنان ارزش و احترام قائل است. قرآن کریم اشراف و اطرافیان ملکه سبا را «ملأ» خوانده است قَالَتْ یا ایُّهَا الْمَلَاءُ انّی اُلْقِیَ اَلَیَّ کِتَابٌ کَرِیمٌ... یا ایُّهَا المَلَاءُ افْتَونی فِی امْرِی مَا کُنْتُ قاطِعَةً امْراً حَتّی تَشْهَدُونِ «ای اشراف، نامه پرارزشی به‌سوی من افکنده شده ... ای اشراف، نظر خود را در این امر مهم برایم بازگویید که من هیچ کاری را بدون حضور و مشورت شما انجام نداده‌ام.[1]» (توحید فام، ۱۳۸۲: ۲۸)

مُتـرفِـین: این کلمه از مادّه «تَرَفُّه» گرفته‌شده است که به معنای نعمت فراوان است. (راغب اصفهانی،۱٤۱۲:۷٤) مترف به کسی می‌گویند که در نعمت‌های فراوان دنیوی قرارگرفته و سرگرم لذات و شهوات است.(ابن اثیر، ج ۱، ۱٤۱۵: ۱۷۸) چون افراد رفاه‌طلب و غرق در لذت، معمولاً به انجام وظایف الهی و انسانی توجهی ندارند و برای عیش و نوش بیشتر، به واجبات و تکالیف

[1]- قرآن کریم، سوره، نمل، آیات: ۲۹-۳۳

[1] - قرآن کریم، سوره واقعه، آیه:٤۵

پشت پا می‌زنند، برخی در معنای مترف گفته‌اند:«کسی که برای رفاه بیشتر، از انجام واجبات سرباز می‌زند.(طبرسی، ج ۵، ۱٤۱۲: ۲۲۰) خداوند متعال در قرآن چنین بیان می‌دارند؛» إِنَّهُمْ كانُوا قَبْلَ ذلِكَ مُتْرَفِينَ « آن‌ها پیش‌ازاین در عالم دنیا مست و مغرور نعمت بودند[۱]

دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام:و از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام؛ وجود نوعی سلطه گری و سلطه‌جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم است. این عمل می‌تواند داخلی باشد به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته و آن‌ها را تحت‌فشار و ظلم قرار دهند و هم‌چین می‌توانند بین‌المللی باشد، بدین معنا که دولت و یا کشوری سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن درگذشته و حال اعمال سیاست‌های استعمار گونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان است. (محمدی، ۳۳: ۱۳۷۷) استکبارستیزی یکی از ابعاد مهم دین مبین اسلام است. به عبارتی استکبار یکی از صفات مذمومه‌ای می باشدکه در جامعه بشری همواره وجود داشته است و یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های انبیاء نیز مبارزه با استکبار بوده است جایگاه عظیم و رفیع این موضوع در دین مبین اسلام و به‌طورکلی در تمام ادیان الهی و سیره‌ی انبیاء عظام بوده و اهتمام به این اصل مهم و راهبردی داشته‌اند. (قاضی‌زاده،۱۳۷۷: ٦۰۹)

زمینه‌ها و عوامل رویش استکبار:استضعاف: «استضعاف» از مادّه «ضعف» است. لغت شناسان، ضعف را در برابر «قوّت» دانسته‌اند. ازاین‌رو، در زبان فارسی، که قوّت به توانایی تفسیر می‌شود، باید ضعف را مترادف با «ناتوانی» دانست. پس میان «ضعف و قوّت» تقابل است.(العین، ج ۱،:۲۸۳) ابن اثیر در معنای مستضعف می‌نویسد؛ » مُستضعف کسی است که دیگری او را ضعیف کرده و به‌واسطه فقر و بیچارگی‌اش، بر او قلدری و گردن کشی می‌کند. نتیجه این‌که هیچ‌یک از لغت شناسان مستضعف را به معنای ضعیف ندانسته‌اند. ازاین‌رو، صرف ناتوانی و ضعف به‌عنوان یک واقعیت عینی، استضعاف نیست و هر فردی صرفاً به دلیل آن‌که دریکی از ابعاد جسمی،

فکری، مادی و اقتصادی، قدرت و توان کافی ندارد و ضعیف است، مستضعف شمرده نمی‌شود. و دیگر آن‌که استضعاف وقتی رخ می‌نماید که چنین حوادثی پیش آید: (ابن اثیر، ج ۳، ۱٤۱۰: ۸۸.)

الف؛ گروهی، مردم را در چنگ قدرت خود فشار دهند و توان و نیروی آنان را ربوده، آنان را ضعیف کنند. **ب؛** قلدری و زورگویی جباران باعث استضعاف گردد. **ج؛** استضعاف مولود نوعی «بینش» و «محاسبه» است. دیگران را ضعیف شمردن و آنان را ناتوان به‌حساب آوردن و توان و شایستگی آنان را نادیده انگاشتن. و چنین بینشی است که زمینه سلطه و قلدری مستکبران را فراهم می‌آورد. (سروش وحیدری، ۱۳۸٦: ۲۲)

-**انواع استضعاف:** ضعف و ناتوانی در بدن، روح و فکر درصحنه‌های مختلف زندگی بشر خود را نشان می‌دهد. ازاین‌رو استضعاف نیز پهنه وسیعی دارد و کسانی که به ضعف کشیده می‌شوند و نیرو و توانشان ربوده می‌شود، دارای گروه‌هایی هستند؛ بر گروهی ضعف مادی و اقتصادی تحمیل می‌شود، از گروهی قدرت و قوّت سیاسی گرفته می‌شود و گروهی دیگر به استضعاف فکری دچار می‌گردند.

الف؛ استضعاف فکری: کسانی که از توان تفکّر و شناختن بی‌بهره‌اند و یا در اثر تبلیغات گسترده دشمن نیروی تفکّر و امکان تحقیق از آنان گرفته‌شده است و توان جسمی و مادی برای هجرت و تحقیق ندارند و یا در غفلت کامل به سر می‌برند. اینان «جاهل قاصر» نامیده می‌شوند و مستضعفان فکری‌اند. قرآن درباره آنان می‌فرماید: «... الَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا يَسْتَطيعُونَ حيلَةً وَ لا يَهْتَدُونَ سَبيلًا» ... مگر آن گروه از مردان وزنان و کودکان مستضعف که به‌راستی توان گریز و چاره‌ای نداشته و راهی برای نجات خود ازدارالکفر» نیافته‌اند.[۱]

ب- استضعاف اقتصادی اجتماعی: در برابر استضعاف فکری «استضعاف اجتماعی اقتصادی» مطرح است. از این زاویه، مستضعفان کسانی هستند که سرمایه‌های مادّی آنان توسط مستکبران به تاراج رفته و نیروهای اقتصادی و سیاسی‌شان به ضعف تبدیل‌شده است و درنتیجه، به‌صورت طبقه‌ای محروم درآمده‌اند که در اداره نظام سیاسی جامعه خود و نیز در گردش اقتصاد، نقش فعالی ندارند. در آیات قرآن، به شرح‌حال مستضعفانی برمی‌خوریم که توان درک دعوت انبیا را داشته و

[۱]- قرآن کریم، سوره، نساء، آیه:۹۸

مستضعف فکری نبوده‌اند، ولی با حاکمیت مستکبران در جامعه، تحت سلطه سیاسی و اقتصادی آنان قرارگرفته و توان به دست گرفتن حیات اجتماعی خود را نیافته‌اند. پیروان **حضرت** صالح (علیه‌السلام) چنین بوده‌اند: «قالَ الْمَلَا الَّذینَ اسْتَکْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذینَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُم اَتَعْلَمُونَ انَّ صالِحاً مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قالُوا انَّا بِما ارْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ» سران و گردنکشان قوم صالح به ناتوانان و فقیرانی که به او ایمان آوردند، به تمسخر گفتند: «آیا شما اعتقاددارید که صالح را خدا به رسالت فرستاده است؟!» مؤمنان جواب دادند: [بی‌هیچ شکی] به آیینی که از طرف خدا بر او فرستاده‌شده، ایمان‌داریم.[1] در این آیه، از گروه مؤمنان، به‌عنوان مستضعف یادشده است و این استضعاف می‌تواند جنبه اقتصادی داشته باشد؛ یعنی کسانی که ازنظر مادی ضعیف شده‌اند و سرمایه‌داران و اشراف نیروهای مالی آنان را با استثمار از بین برده و به‌صورت گروهی محروم و فقیر درآورده‌اند. (طبرسی، ج ۵، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

ج- استضعاف سیاسی: یکی از ابعاد استضعاف اجتماعی، «استضعاف سیاسی» است که توان و قدرت فرد یا گروهی درصحنه سیاست و رهبری جامعه از او گرفته می‌شود و با ربودن اسباب و ابزار دخالت او در جامعه و متفرق کردن یاران و هوادارانش، ضعف و ناتوانی بر او تحمیل می‌گردد. این‌گونه استضعاف، معمولاً بر عناصر آگاه، فعال و هدایتگر جامعه تحمیل می‌شود. استضعاف سیاسی در شرایطی به سراغ نیروهای جهت دهنده جامعه می‌آید و آنان را از میدان رهبری بیرون می‌کند، که سردمداران اغواگر، توده‌های ناآگاه و مرعوب را به استخدام خود درآورند. نتیجه این استخدام، تنها ماندن رهبران الهی و سرانجام، مقهورت آنان است.: حضرت هارون (علیه‌السلام) که در دوران هجرت حضرت موسی (علیه‌السلام) به میقات، رهبری بنی‌اسرائیل را بر عهده داشت، با چنین فاجعه‌ای روبه‌رو گردید. با به میدان آمدن سامری و فریب‌هایش، بیشتر مردم از او جدا شدند. در این هنگام نه‌تنها مردم به رهبری هارون (علیه‌السلام) برای مقابله با سامری اعلام آمادگی نکردند، بلکه تسلیم سامری شدند و حتی در برابر اعتراض هارون، کمر به قتل او بستند. «وَ اخَذَ به رأس اَخیهِ یَجُرُّهُ اَلَیْهِ، قَالَ ابْنَ امَّ انَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونی وَ کادُوا یَقْتُلُونَنی» (از فرط غضب، موسی) سر برادرش را به‌سوی خود کشید، [هارون] گفت: ای فرزند مادرم [بر من خشمگین مباش که من با نهایت

[1]– قرآن کریم، سوره، اعراف، آیه: ۷۵

کوشش و فداکاری قوم را هدایت کردم] آنان مرا خوار و زبون کردند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل برسانند.[۱] (مجلسی، ج ٤، ١٤٠٤: ٢٨)

فقر فرهنگی و وابستگی فکری: گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه‌ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می‌دهند و از آن‌ها پیروی می‌کنند فَیَقولُ الضُّعَفؤُا لِلَّذینَ استَکبَرُوا اِنّا کُنّا لَکُم تَبَعًا «ضعیفان به مستکبران می‌گویند :ما پیرو شما بودیم [۲]دسیسه‌های شبانه‌روزی مستکبران برای القای اندیشه‌های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان‌کننده پیروی مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است. استضعافی که این‌گونه ایجادشده است، دست‌کمی از استکبار ندارد و چنین مستضعفانی در گمراهی و عذاب اخروی با مستکبران همراه و همگام‌اندولَو تَری إذِ الظّلِمونَ مَوقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِم یَرجِعُ بَعضُهُم اِلی بَعض القَولَ یَقولُ الَّذینَ استُضعِفوا لِلَّذینَ استَکبَروا لَولا أنْتُمْ لَکُنّا مُؤمِنین قالَ الَّذینَ استَکبَروا لِلَّذینَ استُضعِفُوا أنَحنُ صَدَدنکُم عَنِ الهُدی بَعدَ اِذ جاءَکُم بَل کُنتُم مُجرِمین و اگر ببینی هنگامی‌که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان برای حساب و جزا نگه‌داشته شده‌اند، درحالی‌که هرکدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی!مستضعفان به مستکبران می‌گویند اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند، آیا ما شمارا از هدایت بازداشتیم بعدازآنکه به سراغ شما آمد و آن را به‌خوبی دریافتید؟ بلکه شما خود مجرم بودید و مستضعفان به مستکبران می‌گویند؛ وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز مایه گمراهی ما شد، هنگامی‌که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم؛ و آنان هنگامی‌که عذاب را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند تا بیش‌تر رسوا نشوند؛ و ما غلو زنجیر در گردن کافران می‌نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آن‌ها جزا داده می‌شود؟![۳] و قال الَّذینَ استُضعِفوا لِلَّذینَ استَکبَروا بَل مَکرُ الَّیلِ والنَّهارِ اِذ تَأمُرونَنا اَن نَکفُرَ بِاللّهِ ونَجعَلَ لَهُ اَندادًا واَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمّا رَاَوُا العَذابَ وجَعَلنَا الاَغللَ فی اَعناقِ الَّذینَ کَفَروا هَل یُجزَونَ اِلاّ ما کانوا یَعمَلونَدر این

[۱]– قرآن کریم، سوره، اعراف، آیه: ۱۵۰

[۲] – قرآن کریم، سورهٔ ابراهیم، آیه:۲۱

[۳] – قرآن کریم، سوره سبأ، آیات:۳۰–۳۱

آیات، مستضعفان در قیامت با خطاب به مستکبران، آنان را سبب بی‌ایمانی خود می‌دانند و می‌گویند :شما با دسیسه‌های شبانه‌روزی، ما را به کفر به خداوند وادار کردید مستکبران در قالب استفهام انکاری پاسخ می‌دهند» :آیا ما راهِ هدایت را بر شما بسته بودیم؟ این‌چنین نیست؛ بلکه شما خود مجرم و گناهکارید «.همچنین آیات فوق به پشیمانی و عذاب اُخروی مستکبران و مستضعفان، هر دو، اشاره دارد[۱].

سلطه‌طلبی، شوکت ظاهری و توانگری اقتصادی: اقوامی که دارای تمدن‌های عظیم گشته و قدرت و شوکت کم‌نظیر به دست آورده‌اند، این قدرت و تمکین در زمین آنان را به طغیان و خیره‌سری کشانده است. قرآن درباره قوم خیره‌سر و طغیانگر عاد می‌فرماید: «وَ لَقَدْ مَکَّنَّاهُمْ انْ مَکَّنَّاکُمْ فیهِ» آنان را قدرت و مکنتی در زمین دادیم که به شما نداده‌ایم»[۲] و درباره اقوام طغیانگر دیگر می‌فرماید: «اَلَمْ یَرَوْاکَمْ اهْلَکْنا مِنْ قَرْنٍ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْارْضِ ما لِمْ نُمَکِّنْ لَکُمْ»آیا ندیدند که چه بسیار امت‌هایی را هلاک کردیم که اقتدار و مکنتی بدانان داده بودیم که به شما هنوز نداده‌ایم؟![۳] همچنین امکانات مالی و توانگری اقتصادی، در انسان احساس بی‌نیازی می‌آفریند و این احساس بی‌نیازی، او را به طغیان در برابر خدا و خلق وامی‌دارد: «سنّ الْانْسانَ لَیَطْغی* انْ رَاهُ اسْتَغْنی» همانا انسان طی‌تان می‌ورزد اگر خود را بی‌نیاز ببیند[٤]. مترفان، که از امکانات مادی فراوان برخوردارند، به‌سوی خوش‌گذرانی و ولنگاری می‌گرایند و از پذیرش قیود و قوانین محدودکننده آزادی‌های بی‌حساب، ابا می‌ورزند. از طرف دیگر، این غرقه بودن در نعمت در آن‌ها روحیه خودبینی می‌آفریند و گمان می‌برند که در پیشگاه خدا ارج‌وقرب خاصی دارند که دیگران از این ارج‌وقرب محروم‌اند وگرنه آنان نیز از این امکانات بهره‌مند می‌شدند.«وَ اذا انْعَمْنا عَلَی الْاِنْسانِ اعْرَضَ وَ نَأبِجانِبِهِ» و هرگاه به انسان [غافل و بی‌خبر] نعمت دهیم، روی می‌گرداند و باحال تکبّر از حق دور می‌شود[٥]. این انسان مستکبر، حتّی نعمت‌ها را نه اعطای خداوند و فضل و بخشش محض او، بلکه

---

[۱] – قرآن کریم، سوره سبأ، آیه:۳۳

[۲] –قرآن کریم، سوره احقاق، آیه:۲٦

[۳] –قرآن کریم، سوره انعام، آیه:٦

[٤] –قرآن کریم، سوره فصلت، آیه ۵۱

[٥] –قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۳٦

حاصل علم تدبیر خود می‌شمرد: «انَّما اوتیتُهُ عَلی عِلْمٍ عِنْدی» این ثروت را به دلیل دانشی که دارم به دست آورده‌ام[۱]؛ بنابراین قدرت و شوکت کم‌نظیر امکانات مالی و توانگری اقتصادی زمینه‌ساز استکبارمی شود.

غرور علمی: عالمانی که مهذّب نیستند، گرفتار غرور علمی می‌گردند و به‌واسطه آن علم، به‌ویژه اگر علم دینی باشد، مغرور می‌شوند و دیگر حاضر به شنیدن هیچ سخن و نظر دیگری نیستند و غیر خود را بر حق همی‌شورند و گوش به سخن دیگری نمی‌دهند.«فَلَمَّا جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَرِحُوا بِما عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ» هنگامی‌که رسولانشان، دلایل روشن برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال شدند [و دل بستند] و آنچه را به تمسخر می‌گرفتند، آنان را فراگرفت[۲]. قرآن در آیاتی بسیار از عالمان اهل کتاب و استکبار و انحرافشان سخن گفته است: «انَّ كَثيراً مِنَ الْاحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَيَأْكُلُونَ امْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ اليمٍ» بسیاری از کشیشان و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا جلوگیری می‌کنند پس آنان را به عذاب دردناک بشارت‌ده[۳]. نتیجه اینکه اگر علم حاصل در مسیر الهی و برای خدا نباشد سبب عُجب غرور گردیده زمینه‌ساز استکبارمی گردد.

کسب سلطه جهانی و تجاوز به حقوق دیگر ملل: دست‌یابی به امکانات موجود در سراسر جهان، یکی از عوامل رویشِ کشورهای استکباری است. ازاین‌رو، کسب سلطه جهانی و تصاحب ذخایر ملت‌های دیگر و به چنگ آوردن شریان حیات اقتصادی جهان، از عواملی است که در تمامی مستکبران دیده می‌شود. یکی از روش‌های اساسی و مهم استکبار جهانی، برای حفظ سلطه وبرتری خود برجهان و ادامه بقا و حیات خویش، جلوگیری از پیشرفت ملت‌های مستضعف است. استکبار، در این جهت، از انجام هیچ‌گونه اقدامی اعم از جذب نخبگان کشورهای جهان سوم و یا کشورهای در حال پیشرفت، کارشکنی در برنامه‌های آنان، اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، به بهانه‌های مختلف دریغ نمی‌ورزد. (محمدی،۳۲:۱۳۷۷)

---

[۱]–قرآن کریم، سوره غافر، آیه ۸۳.

[۲] – قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳٤

[۳]–قرآن کریم، سوره جاثیه، آیه ۳۱.

[۳]–قرآن کریم، سوره جاثیه، آیه ۳۱.

ترویج فساد با فریب و خدعه: چون مبنای فکری و عقیدتی مستکبران را دنیاپرستی تشکیل می‌دهد و بر معیار خودپرستی عمل می‌کنند، ازاین‌رو، در منجلاب شهوت غوطه‌ور می‌شوند و بی‌بندوباری را به اوج می‌رسانند. آنان نه‌تنها خود فاسدند، بلکه ریشه هر فساد اجتماعی‌اند و از این قشر، بی‌بندوباری به اقشار پایین جامعه سرایت می‌کند و آلودگی در سطحی گسترده پخش می‌شود.(**سروش و دیگران،**١٣٨٦: ٦٧)

تبلیغات شیطنت‌آمیز و همراه با مکر و حیله، از دیگر روش‌های مستکبران برای خاموش کردن فریاد حق‌طلبانه انسان‌های الهی، فضای جامعه را از دوره و تهمت پر می‌کنند تا تشخیص حقیقت برای توده مردم سخت شود. ازاین‌رو، در تاریخ پیوسته پیامبران را «ساحر» یا «مجنون» معرفی کرده‌اند: «ما اتی مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ الَّا قالُوا ساحِرٌ اوْ مَجْنُونٌ» هیچ پیامبری پیش از آنان نیامد، مگر آن‌که گفتند: «جادوگر یا دیوانه است»[1] سپس در برابر دعوت موسی، فرعون می‌گفت: «انّی اخافُ انْ یُبَدِّلَ دینَکُمْ اوْ انْ یُظْهِرَ فِی الْارْضِ الْفَسادَ» می‌ترسم که او دین شمارا عوض کند یا در زمین فساد بیفکند.»[2] او بدین‌وسیله به مردم القا می‌کرد که شما، خود، دارای دین و آیین هستید و با بودن موسی از دو جهت نگران شما هستم: یکی آن‌که عقیده شمارا بگیرد و دیگر آن‌که اختلاف‌افکنی کند و فساد به پا نماید.(تفسیر المیزان، ج ١٧، ١٣٧٤: ٣٢٨)

تهاجم فرهنگی (رواج آداب‌ورسوم قومی): مستکبران برای ایجاد الفت و اعتقاد میان زیردستان خود و به وجود آوردن اتحاد قومی و تاریخی، به آداب‌ورسوم قومی و قبیلگی توسّل می‌جویند و با ساختن نمادهای قومی و رواج آن‌ها، همگی را پیرامون این نمادها گرد می‌آورند. عشق و اعتقاد به این نمادها، هیچ دلیل عقلانی ندارد و تنها از علاقه قومیت، ملیّت و پایبندی به رسوم و اعتقادات آبا و اجدادی نشأت می‌گیرد: «انَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ اوْثاناً مَوَدَّةَ بَیْنِکُمْ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا» بی‌گمان، شما غیر از خدا، بتانی برای خود برگزیده‌اید که مایه محبت و الفت شما در زندگی دنیا باشد»[3] آنگاه مستکبران، در مقابله با دعوت‌های اصلاح‌طلبانه و نجات‌بخش، به فرهنگ و سنت‌های ملّی جامعه تکیه می‌کنند و به‌عنوان دفاع از فرهنگ و آیین ملی مردم را به صحنه می‌آورند و آنان

[1]–قرآن کریم، سوره الذاریات، آیه:٥٢

[2]–قرآن کریم، سوره غافر، آیه:٢٤

[3]–قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه:٢٥

را در برابر پیام‌آوران انقلاب قرار می‌دهند؛ چنان‌که فرعون بـه مـردم مـی‌گفـت: «موسـی و هـارون آمده‌اند تا شیوه برتر شمارا بر هم زنند. پس همه توان خود را به صحنه آوریـد»[۱] و امـروزه تحـت عنوان فرهنگ غربی مدرنیته برمسلمانان اعمال می‌شود.

تفرقه و اختلاف: مستکبران ستمگر، برای اینکه پایه‌های حاکمیت خود را محکم کننـد و از خشـم توده‌های مردم برای همیشه در امان باشند، از روش ایجاد اختلاف و درگیری‌های قومی و قبیلـه‌ای نیز بهره می‌گیرند. سیاهان را علیه سفیدها، کردها را علیه فـارس‌هـا، شـیعه را علیـه سـنی ... تهـیج می‌کنند و به جان هم می‌اندازند و خود آتش‌بیار معرکه می‌شوند تا نیـروی آنـان در ایـن درگیرهـا مصرف شود و دیگر نه فرصت تفکر درباره حاکمیت و ظلم‌های او را بیابند و نه قدرت قیـام علیـه او را. خداوند درباره شیوه استکباری فرعون می‌فرماید: «انَّ فِرْعَوْنَ عَلا فـی الْـارْضِ وَ جَعَـلَ اهْلَهـا شِیَعاً یَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ یُذَبِّحُ ابْناءَهُمْ وَ یَسْتَحْیی نِساءَهُمْ انَّهُ کانَ مِنَ الْمُفْسِدینَ» فرعون در زمین بلندپروازی کرد و اهل آن را دسته‌دسته سـاخت، گروهـی را بـه استضـعاف گرفـت، پسرانشـان را می‌کشت وزنانشان را زنده نگاه می‌داشت و او از فساد کاران بود»[۲] در مقابـل، او قبطیـان را برتـری می‌داد و از مواهب حکومت بهره‌مند می‌ساخت و بر بنی‌اسـرائیل مسـلط مـی‌کـرد. بنـی‌اسـرائیل را دشمن آنان معرف می‌نمود و این دو گروه را به جان هم می‌انداخت و دشمنی بین آنان را شـعله‌ور می‌کرد.

مبانی و عوامل اعتقادی مبارزه با استکبار: استکبارستیزی یکـی از ابعـاد مهـم دیـن مبـین اسـلام می‌باشد. به عبارتی استکبار یکی از صفات مذمومه‌ای می‌باشد که در جامعه بشری همـواره وجـود داشته است و یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های انبیاء نیز مبارزه با استکبار بوده است. در ایـن زمینه بهتر است به استکبارستیزی از منظر **دین مبین اسلام** اشـاره‌ای داشـته باشـیم تـا بـا دریافـت جایگاه عظیم و رفیع این موضوع در دین مبین اسلام و به‌طورکلی تمام ادیان، علت اهتمام بـه ایـن اصل را بهتر بفهمیم، هر فرد مسـلمان و هـر دولـت اسـلامی **عقـلاً و شـرعاً** بـر اسـاس منطـق و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی اسـت. **اولاً؛ از نظـر عقلـی؛** نمـی‌تـوان

---

[۱]–قرآن کریم، سوره طه، آیه:۶۳

[۲]–قرآن کریم، سوره قصص، آیه:٤

«برای حیات زیر سلطه غیر» ارزشی قائل شد زیرا «ارزش حیات به آزادی و استقلال است» (صحیفه نور، ج ۵: ۱۱٤)

لذا حضرت امام خمینی (رحمت ا...علیه) تأکیددارند بر اینکه «این مطابق هیچ منطقی نیست که سی میلیون جمعیت، همیشه تحت‌فشار باشد و همیشه این جمعیت کار بکنند و حاصل کارشان را دیگران ببرند» زیرا «زندگانی‌ای که در آن استقلال نباشد و یک ملتی به‌زحمت کار بکنند برای استفاده دشمن‌ها، اینکه زندگانی نیست» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۳۸ و ج ٦: ۲۳۳)

ثانیاً؛ ازنظر شرعی؛ در آیات و روایات متعدد، کسانی که مورد ظلم و تهاجم استکبار، قرارگرفته‌اند، موظف به دفاع و مقابله با مستکبرین شده‌اند. به‌عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: « وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرينَ عَلَى الْمُؤْمِنينَ سَبيلا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلّطی نداده است[۱]«ودرآیه ای دیگر خداوند متعال می‌فرمایند:» وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ ... چرا درراه خدا و (درراه) مردان وزنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف‌شده‌اند، پیکار نمی‌کنید...؟![۲]» ودراین آیه پاسخ تمام‌کننده بیان می‌شود: وَ قاتِلُوا فی سَبيلِ اللَّهِ الَّذينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ و در راه خدا، باکسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی‌دارد[۳] و کسانی که درراه حمایت از مستضعفین کوتاهی و سستی می‌کنند، مورد مواخذه قرارمی گیرند: ما لَكُمْ لا تَناصَرُون" شمارا چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟[٤] همان‌گونه که حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند:كُونَا لِلظَّالِمِ خَصمًا وَ لِلمَظلَومِ عَوناً[٥] بر این اساس و مطابق با اصل ۱۵٤ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین

---

[۱]– قرآن کریم، سورهٔ نساء، آیه‌ی: ۱٤۱

[۲]– قرآن کریم، سورهٔ نساء، آیه‌ی: ۷۵

[۳]– قرآن کریم، سورهٔ بقره آیه‌ی: ۱۹۰

[٤]– قرآن کریم، سورهٔ صافات، آیه‌ی: ۲۵

[٥] – نهج‌البلاغه، نامه: ٤۷

خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (محمدی،۲۲:۱۳۷۷)

در همین رابطه از بیانات راهگشای ولی امر مسلمین جهان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بهره می‌بریم که فرموده‌اند؛ مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است؛ **یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم**. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار. (بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹٤)

نفی هرگونه ذلت پذیری قاعده‌ی قرآنی:

الف- فقهای اسلام بر طبق آیه شریفه وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلّطی نداده است.[1]» قاعده‌ای را از فقه اسلامی استخراج نموده‌اند به نام قاعده نَفیِ سبَیل» معروف است. که با استفاده از آن و آیات و روایات دیگر، هر فعل و اقدامی را که باعث باز شدن راهی برای سلطه کفار و مشرکین بر جامعه اسلامی گردد، حرام و نامشروع می‌دانند.

ب- سستی دربرابراستکبارممنوع: آن‌ها (دولت‌مردان) حق ندارند سستی کنند و برخلاف نص صریح قرآن کریم، مشرکین و کفار را به صلح دعوت نمایند و تصور کنند نزاع ما با آمریکا روزی خاتمه خواهد یافت و قهر ما با آمریکا و ذات استکباری و ظالمانه‌اش ابدی نیست، ایران دستش را پیش آمریکا، انشاالله تا ابد دراز نمی‌کند و لو اینکه فانی بشود (صحیفه امام، ج ۱۸: ١٤)

ج- نبرد با استکبار پایان پذیرفتنی نیست: قهر و خشم، مبارزه و نبرد علیه ظلم و فتنه‌انگیزی آمریکا پایان ندارد، چون «دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرورفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛

---

[1]- **قرآن کریم، سوره‌ی نساء، آیه‌ی: ۱٤۱**

چراکه مرد جنگیم... و تا بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول‌الله» بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه **هست؛ و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم»(صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٤۷)**

د– راه سازش با جهان خواران مشخص است؛ کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!...اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۸)

ه– حفاظت از اصل برائت: اکنون نیز حفاظت از اصل برائت از مشرکین و عزت طلبی و صدق بیعتی که با خون شهدای انقلاب اسلامی به رسول ا... (صلی ا... علیه و آله) و اسلام و خط امام (رحمت ا...علیه) اعلام گردیده است، استقامت می‌طلبد. لذا واجب است «بیعتی که با امام خمینی (رحمت ا...علیه) کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم. آن‌کسانی که بیعت با امام را بیعت با انقلاب، بیعت با جمهوری اسلامی را می‌شکنند، به خودشان ضرر می‌زنند: این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه‌داریم.» (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار معلمان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲)

راه‌کارهای مقابله با استکبارازمنظرقرآن:

– **اطاعت از رهبری:** با عنایت به اهمیت و جایگاه رهبری درآموزه های دین مبین اسلام، ضرورت هم‌گرائی و همدلی بین امت اسلامی در جهت تبعیت و حمایت از رهبری امت اسلامی یک اصل مسلم می‌باشد؛ و بایستی تقویت و استحکام آن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند و بر محور ولایت چون پروانه بگردند و با اطاعت کامل در پرتو رهنمودهای او، از گزند دشمنان داخلی و خارجی جلوگیری نماید تا آیین اسلام به‌طور کامل حفظ گردد. بر همین اساس خداوند متعال در قرآن مجید بیان می‌دارند؛ «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ لِيُطاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً.» ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به این منظور که به‌فرمان خدا از وی اطاعت شود و اگر این مخالفان هنگامی‌که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاردند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها

استغفار می‌کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند[۱]. ودرسایه اطاعت از رهبری امت اسلامی فلاح و نجات مطرح می‌گردد؛ و تنها رمز پیروزی و نجات جامعه اسلام از تحت یوغ استکبار راهبرد بزرگ خداوند تبارک‌وتعالی است، که فرمودند؛ وَ أَطیعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرین[۲]» یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های مبارزه توجه به مسئله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است همان دستوری که اگر انجام نمی‌گرفت جنگ بدر به شکست کامل مسلمانان منتهی می‌شد، لذا در آیه بعد می‌گوید: و اطاعت خدا و پیامبرش کنید و از پراکندگی و نزاع بپرهیزید زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است (فَتَفْشَلُوا)؛ و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست

- **عدم سستی، ضعف و ترس از دشمن:** در اهمیت این موضوع خدای سبحان می‌فرماید؛ وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا وَ اللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرینَ[۳] پیامبران بسیاری بودند که خداپرستان مبارزی در صف یاران آن ها قرار داشتند. سپس رفتار و گفتار آن‌ها را چنین شرح می‌دهد: آنان به یاری پیامبران خود برخاستند و از تلفات سنگین و جراحات سخت و مشکلات طاقت‌فرسایی که درراه خدا دیدند هرگز سست و ناتوان نشدند، آن‌ها در مقابل دشمن هیچ‌گاه تضرع و زاری و خضوع و کرنش نکردند و تسلیم اوامردشنمان خود نگردیدند. بدیهی است خداوند هم‌چنین افرادی را دوست دارد که دست از مقاومت برنمی‌دارند. در این آیه خداوند متعال برتری مؤمنین بر کفار را مطرح می‌کند و چنین می‌فرماید؛ «وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ[۴]» در این آیه به مسلمانان هشدار داده شده که مبادا از باختن یک جنگ، سستی به خود راه دهند و غمگین گردند و از پیروزی نهایی مأیوس شوند، زیرا افراد بیدار همان طور که از پیروزی‌ها استفاده می‌کنند از شکست ها نیز درس می‌آموزند و در پرتو آن نقاط ضعفی را که سرچشمه شکست

---

[۱] – سوره نسا، آیه ٦٤

[۲] –قرآن کریم، سوره انفال، آیه:٤٨

[۳] – قرآن کریم، سوره الف عمران، آیه:١٤٦

[۴] –قرآن کریم، سوره ال عمران، آیه:١٣٢

شده، پیدا می‌کنند و با برطرف ساختن آن برای پیروزی نهایی آماده می‌شوند. جمله شما برترید اگر ایمان داشته باشید، یک جمله بسیار پرمعنی است یعنی شکست شما در حقیقت برای از دست دادن روح ایمان و آثار آن بوده، شما اگر فرمان خدا و پیامبر را در این میدان زیر پا نمی‌گذاشتید گرفتار چنین سرنوشتی نمی‌شدید و بازهم غمگین نباشید اگر بر مسیر ایمان ثابت بمانید پیروزی نهایی از آن شما است و شکست در یک میدان، به معنی شکست نهایی در جنگ نیست. (تفسیر نمونه: ج ۳: ۱۰۷)

- **حفاظت از روحیهٔ تهاجمی:** به دنبال آیات مربوط به جهاد و هجرت، آیه فوق برای زنده کردن روح فداکاری در مسلمانان چنین می‌گوید:وَ لا تَهِنُوا فِی ابْتِغاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَکُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ یَأْلَمُونَ کَما تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا یَرْجُونَ وَ کانَ اللَّهُ عَلیماً حَکیماً[1]» هرگز از تعقیب دشمن سست نشوید.(وَ لا تَهِنُوا فِی ابْتِغاءِ الْقَوْمِ). اشاره به اینکه هرگز در برابر دشمنان سرسخت حالت دفاعی به خود نگیرید، بلکه همیشه در مقابل چنین افرادی روح تهاجم را در خود حفظ کنید، زیرا ازنظر روانی اثر فوق العاده‌ای در کوبیدن روحیه دشمن دارد، همانطور که در حادثه احد بعد از آن شکست سخت، استفاده کردن از این روش سبب شد که دشمنان اسلام که با پیروزی میدان نبود را ترک گفته بودند فکر بازگشت به میدان را که در وسط راه برای آنها پیدا شده بود از سر بدر کنند و با سرعت از مدینه دور شوند. سپس استدلال زنده و روشنی برای این حکم بیان می‌کند و می‌گوید: چرا شما سستی به خرج دهید در حالی که اگر شما در جهاد گرفتار درد و رنج می‌شوید دشمنان شما نیز از این ناراحتی ها سهمی دارند، با این تفاوت که شما امید به کمک و رحمت وسیع پروردگار عالم دارید و آنها فاقد چنین امیدی هستند(تفسیر نمونه: ج٤: ۱۰۸–۱۰۹)

- **برخورداری از روحیهٔ جهادی در پرتو نیرویِ باایمان و شجاع:** **جهاد اسلامی** نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی و نه به‌منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است. هدف یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب ها که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند و همچنین محو آثار شرک و بت پرستی و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع

[1] – قرآن کریم، سوره ال نساء، آیه:١٠٤

در برابر آنان است. لذا با داشتن روحیه جهادی در جهت حفظ دین و رفع هرگونه فتنه وفسادچنین مطرح می‌شود.وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلا عُدْوانَ إِلاَّ عَلَى الظَّالِمِينَ[1]» دراین آیه به هدف جهاد در اسلام اشاره کرده، می‌فرماید: با آنها پیکار کنید تا فتنه از میان برود. و دین مخصوص خدا باشد وبرای تحقق این هدف مقدس، نیروی انسانی موثرترین ومهم ترین رکن تحولات اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی هرکشوربوده وانسان مهمترین، شریف ترین وبا ارزش ترین سرمایه ومنبع عظمت وکمال هرکشور چه دربعد ملی و چه درزمینه سازمانی محسوب می شود. ازجمله عوامل اساسی درتعیین توان رزم ومقابله بااستکباراست وخداوند تبارک وتعالی درقرآن مجید می فرماید؛وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجالُوتَ وَ جُنُودِهِ قالُوا رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ[2]در این آیه، مساله رویارویی دو لشکر مطرح شده، می‌فرماید: هنگامی که طالوت و سپاه او، به جایی رسیدند که لشکر نیرومند جالوت، نمایان و ظاهر شد و در برابر آن قدرت عظیم صف کشیدند، دست به دعا برداشتند و از خداوند سه چیز طلب کردند، نخست صبر و شکیبایی و استقامت، در آخرین حد آن، لذا تعبیر به أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً کردند. دومین تقاضای آنها از خدا این بود که گام های ما را استوار بدار تا از جا کنده نشود و فرار نکنیم، در حقیقت دعای اول جنبه باطنی و درونی داشت و این دعا جنبه ظاهری و برونی دارد و مسلما ثبات قدم از نتائج روح استقامت و صبر است. سومین تقاضای آنها این بود که ما را بر این قوم کافر یاری فرما و پیروز کن که در واقع هدف اصلی را تشکیل می‌دهد و نتیجه نهایی صبر و استقامت و ثبات قدم است. به یقین خداوند چنین بندگانی را تنها نخواهد گذاشت هر چند عدد آنها کم و عدد دشمن زیاد باشد.(تفسیر نمونه، ج۲:۲۴۵-۲۴۶) الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ[3] این آیه مهمترین اوصاف مؤمنان عامل را بیان می‌کند: آنها کسانی هستند که در برابر مشکلات صبر و استقامت به خرج می‌دهند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. از زن و فرزند و دوستان و بستگان و خانه و کاشانه خود جدا می‌شوند و صبر می‌کنند. مرارت های غربت و سختی های آوارگی از وطن

[1] – قرآن کریم، سوره بقره، آیه:۱۹۳

[2] – قرآن کریم، سوره بقره، آیه:۲۵۰

[3] – قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه:۵۹

را می‌چشند و شکیبا هستند. برای حفظ ایمان خود آزار دشمنان را به جان می‌خرند و در راه جهاد با نفس که جهاد اکبر است و مبارزه با دشمنان سر سخت که جهاد اصغر است از انواع مشکلات استقبال می‌کنند و صبر می‌کنند. آری این صبر و استقامت رمز پیروزی آنها و عامل بزرگ افتخار آنان است که بدون آن هیچ عمل مثبتی در زندگی امکان پذیر نیست.

- **نفی سلطه پذیری و عدم طرح دوستی با استکبار**: قاعدهٔ نفی سلطه از مستندات لازم الرعایه در حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطهٔ بیگانگان است که براساس آیهٔ «وَلَن يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است؛ یعنی خداوند در قوانین و شریعت اسلام به هیچ وجه راه نفوذ و تسلط کفار را بر مسلمانان باز نگذاشته و کافر در هیچ زمینه ای نمی تواند بر مسلمان مسلط شود. لذا از دیدگاه حکومت اسلامی، روابط خارجی کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی باید بر اساس این قاعدهٔ فقهی قرآنی برنامه ریزی و کنترل شود، زیرا در صورت عینیت بخشیدن و عملی کردن این اصل، تمام راه های نفوذ و تسلط کفار و بیگانگان در تمام زمینه ها مسدود می شود. قاعدهٔ نفی سلطه در روابط خارجی اسلام و مسلمانان حق «وتو» دارد، یعنی اگر یک قرارداد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... از سوی دولتمردان سرزمین اسلامی با کفار بسته شود که مقدمه و زمینهٔ سلطهٔ کفار بر مسلمانان شود، این قاعدهٔ فقهی، آن قرارداد را باطل می سازد.) شکوری، ۱۳۹۱:۸٤ قرآن کریم درهمین زمینه هشدارمی دهد؛ لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فی شَيْءٍ إِلاَّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصيرُ[1] با دشمنان طرح دوستی نریزید؛ و در این آیه به همین مناسبت مؤمنان را از دوستی با کافران شدیدا نهی می‌کند، زیرا اگر این دوستی ها به خاطر کسب قدرت و ثروت و عزت است، همه اینها به دست خدا است. این آیه در واقع یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که بیگانگان را به عنوان دوست و حامی و یار و یاور هرگز نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند، زیرا ضربه‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است.

[1] – قرآن کریم، سوره ال عمران آیه:۲۸

- **خودباوری و** اعتماد **به نفس**: برای نیل به موفقیت هیچ مقدمه‌ای مقدم‌تر از خودباوری و اعتماد به نفس نیست. خودباوری واعتماد به نفس ازنگاه قرآن؛ وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلا[1] ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم" لذا، انسان از جهت اینکه اولاد آدم است، عزّت ذاتی دارد؛ ولی در جریان زندگی، عوامل خارجی و محیطی است که این عزّت را از او می‌گیرد و او را به موجودی پست و ذلیل تبدیل می‌کند. یکی دیگر از نشانه‌های اعتماد به نفس، آرامش است.«وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ إِلاَّ بُشْری وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُکُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلاَّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ"ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ و گر نه پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است![2]» درایه ای دیگر بحث اطمینان قلب را ازعوامل مهم خودباوری واعتماد به نفس می داند؛ الَّذینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب"آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد[3]»
- **بصیرت و هوشیاری**: باتوجه به این که بصیرت از واژه‌های قرآنی نیز هست، مروری بر آیات مشتمل بر این واژه، ما را در فهم بهتر از معنای آن یاری می‌کند. یکی از شیوه‌های قرآن کریم برای شناساندن این مفهوم، شیوه مقایسه‌ای است؛ یعنی با طرح واژه‌های متضاد با بصیرت در شناساندن آن به ما کمک می‌کند، مانند این آیه شریفه: «وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ وَ ما یَسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لَا الْأَمْوات»؛ و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند و نه ظلمتها و روشنایی و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند و تو

[1]– قرآن کریم، سوره اسری، آیه: ۷۰
[2] – قرآن کریم، سوره انفال، آیه: ۱۰
[3] – قرآن کریم، سوره الرعد آیه: ۲۸

نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی![1] در مقایسه بین کور و بینا، ظلمات و نور، سایه و باد سوزان و زندگان و مردگان، این مطلب را درک می‌کنیم که انسان بصیر، صاحب نور و در فضای نورانی قرار دارد؛ از محیط داغ و سوزان به دور است و از زندگانی حقیقی برخوردار است.

- **کسب توانایی های لازم**: قرآن کریم بمنظور کسب قدرت وتوانائی های لازم درجهت مبارزه بادشمنان مستکبر می فرماید؛ وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِم...[2] هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. یادرجهت هدایت طواغیت اینگونه بیان می نماید؛ پس از آنکه حضرت موسی (علیه السلام) به مقام نبوت رسید خداوند به او فرمود «اذْهَبْ إِلى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغى[3]» به سوی فرعون برو که طغیان کرده است؛ و توانایی ها و وسائل لازم برای پیروزی در این مأموریت را از خداوند متعال چنین درخواست نمود عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار .کار مرا بر من آسان گردان و گره از زبانم بگشا که سخنان مرا بفهمند و وزیری از خاندانم برای من قرار بده؛ برادرم هارون را به وسیله او پشتم را محکم کن» از این درخواست روشن می شود برای مقابله با استبداد به امکانات و وسایل ویژه ای نیاز است که بدون آن ها نمی توان اقدام نمود. بنابراین می شود، با اطاعت ازرهبری جامعه وداشتن روحیهٔ جهادی وخودباوری، گفتمان استکبارستیزی، بصیرت وهوشیاری، قدرت ایمان، توکل وقاطعیت باتمسک به ثقل اکبروقرارگرفتن درمسیرثقل اصغر، زمینه ساز عمل به رهنمودهای روشن بینانه کلام وحی درجهت مقابله وایستادگی دربرابرکفارومستکبرین شده و می توان به پیروزی بزرگ ونجات جامعه ازتحت سلطهٔ استکباررسید.

---

[1] – قرآن کریم، سوره فاطر، آیات: ۱۹–۲۲

[2] – قرآن کریم، سوره انفال آیه: ٦٠

[3] – قرآن کریم، سوره طه آیه: ۱۷

روش شناسی تحقیق:

نوع تحقیق: تحقیق حاضر به دنبال کشف مفاهیم، مقوله‌ها و راهبردهای استکبارستیزی از منظر قرآن کریم است و به روش نظریه داده بنیادی انجام می‌شود. ازنظر ماهیت در دسته پژوهش‌های اکتشافی است و چون درصدد دستیابی به الگوی راهبردی اثربخش در حوزه استکبارستیزی است ازلحاظ هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی است و **روش** نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری نظری (تئوریک) بوده، لذا همه گزاره‌های استخراج‌شده در مورد استکبارستیزی در جداول کدگذاری مورد تحلیل قرارگرفته است. بر اساس انتخاب آیات (گزاره‌های انتخابی از تفسیر نمونه) مرتبط با استکبارستیزی؛ احصاء سپس کدها (مفاهیم) موجود در آن‌ها تبیین شد ودرادامه کدهای مشترک جمع‌بندی و مقوله‌های استنباطی با کدگذاری محوری استخراج گردید؛ و مشخص نمودن نوع مقوله‌ها و سرانجام با کدگذاری انتخابی و تولید قضایا به بیان رابطه مفهومی بین مقوله‌های استکبارستیزی اقدام می‌کند. **و جامعه‌ی آماری** تحقیق حاضر؛ مشتمل بر کلیه آیات نورانی قرآن کریم، تفاسیر قرآن کریم، لوح‌های فشرده قرآنی با تأکید بر تفسیر نمونه در حوزه موضوعی استکبارستیزی و همچنین صاحب‌نظران و خبرگان کشور در زمینه‌های علوم و معارف قرآنی و امور استکبارستیزی با ویژگی‌های عام و خاص بوده و درواقع حجم نمونه آماری به تأیید جامعهٔ خبرگی رسیده است. در این تحقیق **روش گردآوری داده‌ها**، از روش کتابخانه‌ای تخصصی جهت گردآوری اطلاعات از تفاسیر قرآن کریم (به‌ویژه تفسیر نمونه) و لوح‌های فشرده قرآنی، کتب، مقالات علمی، آرشیو و سایت‌های اطلاعاتی و همچنین شبکه جهانی اینترنت مرتبط با موضوع استکبارستیزی استفاده‌شده است.

روش تحلیل داده‌ها؛ روش تحلیل داده‌های تحقیق طی سه مرحله و با روش کیفی به شناسایی گزاره‌های منتخب و آیات مرتبط با استکبارستیزی؛ احصاء کدهای موجود در آیات؛ تبیین مفاهیم یا کدهای مشترک بین آیات (گزاره‌ها) و تبدیل به مقوله‌ها به می‌پردازد و سپس با کدگذاری محوری به شناسایی مقوله‌های علی، محوری، واسطه‌ای، محیطی، راهبردی و پیامدی استکبارستیزی و سرانجام با کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی) روابط بین مقوله‌ها و

تولید قضایا (بیان رابطه مفهومی بین مقوله‌های استکبارستیزی) اقدام می‌کند و سرانجام به طراحی چارچوب مفهومی اختصاص دارد. (اشتراوس و همکاران،۱۳۹۰: ۱۵۸-۱٥٤)

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:

در نخستین مرحله از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با کدگذاری باز اقدامات زیر را انجام‌گرفته است؛

الف- مطالعه کل قرآن کریم و انتخاب آیات (گزاره‌های منتخب) مرتبط با استکبارستیزی

ب- تفسیر آیات منتخب بر اساس تفسیر نمونه به‌منظور احصاء کدهای موجود در آن‌ها

ج- تبیین کدهای هر آیه که با استکبارستیزی مرتبط هستند.

د- تبیین مفاهیم یا همان کدهای مشترک بین آیات که با استکبارستیزی مرتبط هستند.

ح- تبیین مقوله یا همان مفاهیم مشترک بین آیات که با استکبارستیزی مرتبط هستند؛

و- **مشخص کردن** شناسه‌های مشترک کدها.

جدول ۱: تحلیل کدگذاری باز

متن آیــه و منبع	گزاره انتخابی از تفسیر	مفهوم تصریحی متن	کد (مفاهیم)	شناسهٔ مفاهیم
قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنا قالَ أَ وَ لَوْ كُنَّا كارِهِينَ سوره اعراف آیه ۸۸ تفسیر نمونه ج٦ ۲۵۳-۵۵	ازآنجاکه اشراف متکبر و مغرور زمان او، ازنظر ظاهر بسیار نیرومند بودند، عکس‌العمل آن‌ها نیز شدیدتر از دیگران بود، آن‌ها روی زور و قدرت خویش تکیه کرده، به تهدید شعیب ویارانش پرداختند، چنان‌که قرآن می‌گوید: اشراف زورمند و متکبر قوم شعیب به او گفتند سوگند یاد می‌کنیم که قطعاً هم خودت و هم کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون خواهیم راند، مگر اینکه هر چه زودتر به آئین ما بازگردید. البته تهدید مخالفان تنها همین نبوده است، پاسخی که شعیب در برابر این‌همه تهدید و خشونت به آن‌ها داد خیلی ساده و ملایم و منطقی بود، گفت: آیا می‌خواهید ما را به آئین خودتان بازگردانید، اگرچه مایل نباشیم» (قالَ أَ وَ لَوْ كنّاس كاره‌ی) در حقیقت شعیب می‌خواهد بگوید: آیا سزاوار است شما عقیده خود را بر ما تحمیل کنید و آئینی که فساد و بطلان آن بر ما آشکارشده است بازور به ما بقبولانید، به‌علاوه یک آئین تحمیلی چه سودی برای شما دارد.	۱- همه متکبران مغرور، روی زور و قدرت خویش تکیه کرده، به تهدید پرداختند ۲- قطعاً هم خودت و هم کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون می‌کنیم ۳- تحمیل عقیده خود بر ما و آئینی که فساد و بطلان آن بر ما آشکار است چه سودی برای شما دارد.	برو غرور ثروت‌اندوزی زور قدرت تهدید رعب تحمیل عقیدهٔ باطل سیاست‌های فاسد تحمیلی	A61 A62 A63 A64 A65 A66

از اقدامات صورت گرفته در مرحله کدگذاری باز» ۴۹۲ کد به‌دست‌آمده از قرآن روایات، که باید در این مرحله در قالب بسیارمحدودتری دسته‌بندی شوند، آنگاه برای هر دسته عنوان مناسبی مقوله (مؤلفه) برگزیده شود که دربرگیرنده محتوی همه مفاهیمی است که دریک گروه جمع شده‌اند. درروش شناسی گراند تئوری به این عمل«کدگذاری محوری گفته می‌شود. در جدول کدگذاری محوری که به کمک کارشناسان حوزوی و دانشگاهی وبااستفاده از تست خبرگی و سپس تکنیک چند رأیی فراهم شده است، نمونه آن درجدول ذیل آمده است.

(جدول ۲: تحلیل کدگذاری محوری)

شناسه مقوله	نوع مقوله	زیرمقو له ها	کد ها (مفاهیم Concepts)	شناسه های مشترک
B1	عِلّیِ	روحیۀ استکباری	کبروغرور خودبینی خودخواهی خودبرتربینی تکبر ورزیدن کبر سبب هلاکت است کبر و غروسرچشمه گناهان غرور وتکبرورزی ضرربزرگ برای متکبر ین کبروغروردردلهاشان خود بزرگ بینی برتری‌جویی خودخواهی تحقیر مردم تکبر نشانه جهل عجب وتکبر تکبر سبب فرومایگی تکبر باعث طغیان سرکشی	A1+ A10+ A16+A47+A73+ A81+A99+A110 +A152+A169+A 200+A433+A44 2+A444+A449+ A464+A473
B2	محوری	گفتمان استکبار ستیزی	تفکر استکبارستیزی عدم ضعف استقلال فکری قرآن بهترین الگوی مبارزه قاطعیت شجاعت اجتناب از طاغوت نبرد با طاغوت ایمان، پایداری فداکاری حفاظت از روح تهاجم ایمان و اراده راسخ عدم مسامحه‌کاری برائت بیزاری از استکبار اتکاء به قدرت درون شهامت و شهادت‌طلبی اطاعت از دستور رهبری مبارزه پی گیر مستمر اوج مسلمانی مقابله با دشمن	A4+A94+A119+ A125+A139+A1 63+A231+A248 +A275+A310+A 326+A364+A38 6+A393+A416+ A459
B3	محدود کننده	رفاه تجددطلبی	اشرافی گری و ثروت‌اندوزی کسب قدرت و ثروت زوروقدرت تهدید ارعاب تحمیل عقیدۀ باطل به‌واسطۀ قدرت سیاست‌های فاسدوتحمیلی عامل گمراهی اُمّت توطئه‌ها و تبلیغات مکارانه زرُ و زور مقام فخرفروشی بر جامعه زور وزر و تزویر کسب ثروت نامشروع مخالفت اجبار مال‌اندوزی و قدرت‌طلبی تحمیل افکار بازور قدرت، ثروت سبب طغیان اقتضای منافع سلطۀ دشمن برای کسب منافع زر، تزویر سبب هدم فضائل	A54+A58+A62+ A63+A64+A65+ A72+A86+A91+ +A109+A114+A 115+A132+A19 7+A205+A225+ A226+A227+A3 15+ +A486

کدگذاری انتخابی با تلفیق مقوله‌هایی که برای شکل‌گیری چارچوب تئوریکی اولیه توسعه داده‌شده‌اند، مرتبط بوده و دسته‌بندی مقوله‌های استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران ازنظر

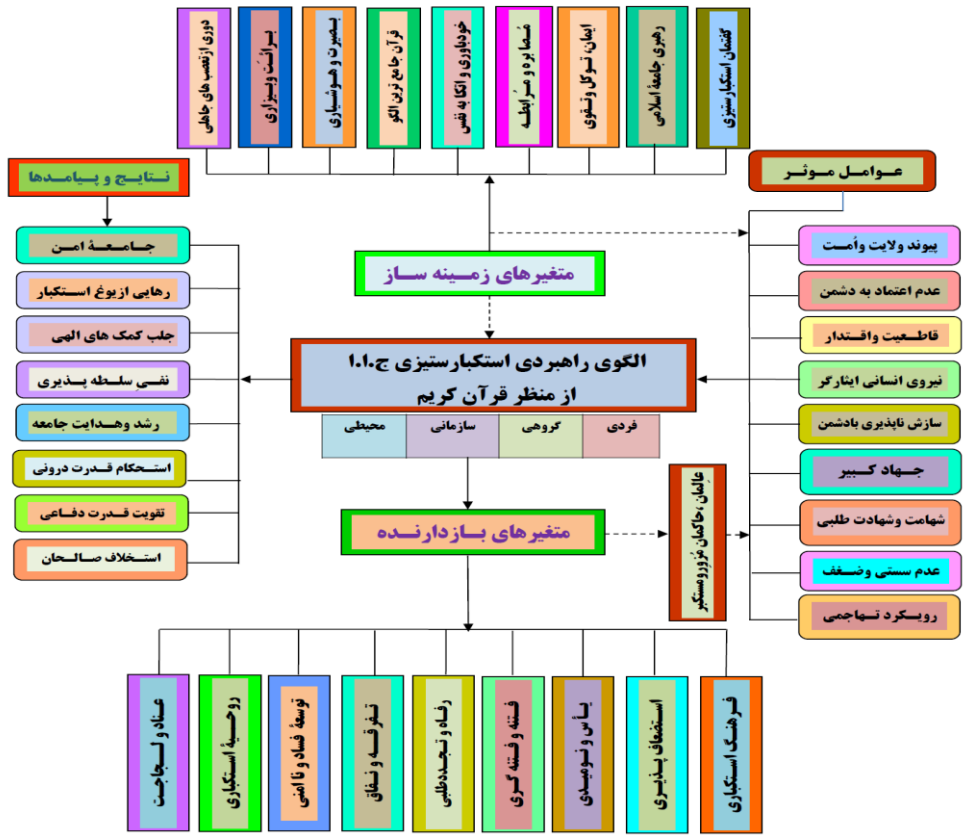
آموزه‌های قرآن کریم. در این تحقیق در مرحله کدگذاری انتخابی وجوه مشترک مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مراحل قبلی شناسایی شدند وباتوجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر محدودتری سامان‌دهی شدند. بااین‌وجود تعداد این مؤلفه‌ها به "۳۲" مورد رسید بر اساس نظرخواهی از خبرگان، مؤلفه‌های حاصل‌شده در پنج گروه دسته‌بندی شدند. در (جدول شماره ۳) چهار گروه اصلی به همراه مؤلفه‌های راهبردی، احصاء شده.

جدول ۳: تحلیل کدگذاری انتخابی

ردیف	شناسه مقولات	مقولات	مضامین
۱	B1+B2+B3+B4 +B5+B6+B30	روحیه استکباری تعصُب جاهلی عِنادولجاجت جهل فساد فرهنگ استکباری استضعاف پذیری	عِلیّ
۲	B10+B11+B12 +B13+B14	استکبارستیزی بصیرت هوشیاری عدم اعتماد و تکیه‌بر مستکبرین رهبریِ اُمَّتِ اسلامی استحکام قدرت درونی	زمینه‌ای
۳	B14+B15+B17+B22+B23+B 31+B32	جلب امداد غیبی اَمنیت پایدار نفیِ هرگونه سلطه‌پذیری رشد توسعه است خلاف صالحان دفاع هوشمندانه اقتدارملی	پیامدی
٤	B5+B16+B18 +B19+B20	گفتمان استکبارستیزی قرآن محوری مصابره ومرابطه شهامت و شهادت‌طلبی نیروی باایمان ایثارگر	مؤثر
٥	B7+B25+B28+B29+B26+B2 7	رفاه تجددطلبی فساد ونا امنی تفرقه و نفاق اشرافی گری فتنه یأس و نومیدی	مداخله‌گر (بازدارنده)
٦	B21+B22+B23+ B31+B32+B28	رویکرد جهادی توکل وتقوی استقامت و صبر انقلابی دفاع هوشمندانه استحکام قدرت درونی	واسطه‌ای

در نخستین مرحله از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با کدگذاری باز مطالعه کل قرآن کریم و انتخاب آیات (گزاره‌های منتخب) مرتبط با استکبارستیزی و تفسیر آیات منتخب بر اساس تفسیر نمونه به‌منظور احصاء کدهای موجود و تبیین کدها مفاهیم هر آیه که با استکبارستیزی مرتبط بودند شکل گرفت؛ و سپس تبیین مفاهیم مشترک بین آیات و مشخص کردن شناسه‌های مشترک صورت پذیرفت؛ که از اقدامات صورت گرفته در مرحله کدگذاری باز (**٤٩٢ کد**) احصاء گردید؛ و در مرحله کدگذاری محوری در قالب بسیارمحدودتری دسته‌بندی شدند. ودراین بخش به کمک کارشناسان حوزوی و دانشگاهی وبااستفاده از آزمون خبرگی مفاهیم مشخص گردیدند. ودرمرحلهٔ پایانی (گذاری انتخابی) وجوه مشترک مفاهیم به‌دست‌آمده از مراحل قبلی شناسایی شدند وباتوجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر محدودتری با عنوان مقوله سامان‌دهی شدند. بااین‌وجود تعداد این

مقولات به (**۳۲**) مقوله رسید و مقوله‌های حاصل‌شده در پنج گروه دسته‌بندی شدند. وبر همین اساس مدل مفهومی درشکل زیر طراحی گردید.



مدل مفهومی الگوی استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران ازمنظرآموزه های قرآن کریم

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف–نتیجه‌گیری:

آموزه‌های توحید و خداپرستیِ قرآن به‌هیچ‌وجه با استکبار و خودکامگی سازگار نیست بلکه در سراسر قرآن ناسازگاری با استکبار و خودسری‌های آن‌ها مشاهده می‌شود. استکبار جهانی امروزه با تفکر و روحیهٔ استکباریِ خود به حمله وغارت ملت‌ها با راه‌اندازی تفرقه، اختلاف دروغ‌پراکنی، توسعه‌ی بی‌بندوباری و فساد، گمراهی بسیاری از جوامع انسانی، منفعت‌طلبی، کسب سلطه جهانی، جلوگیری از رشد ملت‌های ضعیف، تجاوز به حقوق دیگر ملل، فخر و مباهات بر امتیازات مادی، داوری بر اساس مادّیات وسرپیچی از حق، فریب و خدعه، تهاجم فرهنگی و اقدامات سرکوبگرانه اهداف خود را دنبال می‌کند؛ و این قبیل دستگاه‌های شیطانی، دشمنان تمامی ملل مظلوم جهان به‌ویژه جمهوری اسلامی هستند. با عنایت به اهمیت موضوع، محقق با گزینش آیات مربوطه و همچنین مصاحبهٔ اکتشافی با صاحب‌نظران به استخراج مقوله هائی که تشکیل‌دهندهٔ الگوی مفهومی استکبارستیزی ازمنظرآیات قرآنی است پرداخته است. در این زمینه به مهم‌ترین، **مضامین**؛ علّی (مؤثر)، زمینه‌ای، پیامدی بازدارندهٔ این الگو که جنبهٔ تجویزی داشته رسیده است که می‌تواند به‌عنوان راهکاری جهت سیاست‌گذاری متولیان امور به‌ویژه در حوزهٔ دیپلماسی کشورقرارگیرد.

ب–پیشنهادها:

(۱) پیشنهادهای کاربردی:

– با استفاده از نتایج این تحقیق توسط سازمان‌های لشکری و کشوری به‌منظور آشنایی مسئولان، مدیران و فرماندهان با پیامدهای استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن، همایش و گردهمائی‌های علمی آموزشی برگزار نمایند.

– با استفاده از نتایج این پژوهش در حوزهٔ دیپلماسی کشور (وزارت خارجه وشورایعالی امنیت ملی) جهت انجام مراتباط ومذاکرات راهگشاست.

(۲) پیشنهادهای توسعه‌ای:

ـ استکبارستیزی از منظر نهج‌البلاغه وسیره ائمه معصوم (علیهم السلام) موردبررسی و تحلیل قرار گیرد.

ـ استکبارستیزی از منظر ولایت‌فقیه و قانون اساسی موردبررسی و تحلیل قرار گیرد.

ـ استکبارستیزی ازمنظرقیام امام حسین (علیه السلام) موردبررسی و تحلیل قرار گیرد.

فهرست منـابـع:

الف– منابع فارسی:

- قرآن کریم، ترجمه: آیت‌الله‌العظمی ناصرمکارم شیرازی (۱۳۸۳) دارالقرآن الکریم، قم
- حضرت امام خمینی، سید روح ا... (۱۳۸٦) *مجموعه صحیفه امام*، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران
- حضرت امام خمینی، سید روح ا... (۱۳۸٦) *استضعاف و استکبار*، موسسه و نشر آثار امام خمینی (رحمت ا... علیه)، تهران
- حضرت امام خمینی، سید روح ا...(۱۳۸۵) *مجموعه صحیفه نور*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
- حضرت امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳٦۸) *حدیث ولایت*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم
- ابن اثیر، عزالدین (۱٤۱۰) اسوالغابه فی معرفه الصحابه، انتشارات دارالفکر، بیروت
- اردبیلی، سید عبد الغنی، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- اشتراوس و همکاران، (۱۳۹۰) اصول روش تحقیق کیفی (مترجم) بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ در عصر جهانی‌شدن*، چالش‌ها و فرصت‌ها، انشارات روزنه، تهران
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱) حیات فکری سیاسی امامان شیعه، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- حمیری معافری، ابن هشام (۱٤۱٤) السیرة *النبویة*، تحقیق مصطفی السقا، دار المعرفة، بیروت
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین (۱٤۱۲ ق) *المفردات فی غریب القرآن*، انتشارات نشر دارا لعلم، دمشق
- سروش، محمد وحید ری، احمد (۱۳۸٦) *استضاف و استکبار در قرآن*، پژوهشکده اسلامی، چاپ اول، قم
- سید موسوی، مهدی (۱۳۹٤) بررسی روش های مبارزه با استبداد در قرآن، نشر فرهنگ و معارف قرآن

- سیدجوادین، سیدرضاو اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۸۹) تئوری سازی داده بنیاد و نرم‌افزار، تهران
- شیداییان، حسین (۱۳۹۳) الزامات انقلاب اسلامی در مقابله با استکبار جهانی از نگاه امام خمینی (رحمت ا...علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فصلنامهٔ حصون، بهار شمارهٔ ۱۱
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷٤) *تفسیر المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، قم
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصرخسرو، تهران
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ احمد حسین اشکوری، تهران
- طوسی، محمد بن حسن (۱٤۱٤) الأمالی، انتشارات دارالثقافهٔ، قم
- مجلسی، محمدباقر (۱٤۰٤) *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷) سیاست *خارجی جمهوری اسلامی ایران*، نشر دادگستر، تهران
- مکارم شیرازی، ناصروهمکاران، (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳٦، تهران
- مهرابی، امیر حمزه، (۱۳۹۳) توانمندسازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد

ب– سایت:

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای.www.khamenei.ir